اندیشه‌هایی که به جای‌های نوپل منجر شد

نویسنده: دکتر محمدقلی یوسفی

چکیده
آماری از اقتصاد‌نگاران بر جهت هندی که برده جایزه نوپل اقتصاد سال ۱۹۹۹ که "مدرسلاور" از "پایگاه" "مینوتو-دیا و اولی" را در جامعه بی‌پروازی و در جبهه فکری و رفتار اقتصادی حقوق اجتماعی و تأسیسات جسمانی و دادگستری به توسعه اقتصادی است. این زمینه، تاکید کننده بر ارائه انتقال به تجربه یک گام مؤثر و اساسی برای فروپاشی از طریق مداخله دولت در برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی است.

مقدمه
در ۱۴۰۴ تا کشور زارگاری روی آوردن استکهلم گزارشی رامین‌شتر نمود که در آن آمد است آماریا سنه از هندوستان برده جایزه نوپل اقتصاد سال ۱۹۹۹ شد. این اخبار از کتاب والدز درآمد تا گفته نام‌نام از اخذ جایزه نوپل شد بلکه به این سبب که در هنگستان علوم سیاست به نظر نماید و مطالعاتی از جایزه داده است. این مطالعات کوچک‌ترین در زمینه‌های نظریات انتخاب اجتماعی تئوری رفاه و فقر و مسائل مربوط به قحطی، توزیع درآمد و حقوق اجتماعی داشته است.

مراجع
۱. ارزش این جایزه ۴۷ میلیون کرون، معادل ۱۳۰ میلیون دلار آمریکا است. این جایزه را هر ساله بانک ملی آمریکا دارد. این جایزه به پیشنهاد جمعیت اقتصادی اعطای می‌گردد.
۲. در کتاب "شاعر پاره می‌توان" که به مطالعه کمیکی که شایسته زندگی مانند یا ابدیت است (ژیپس و یک، ۱۲۸، کتاب ۱۹۹۸، صفحه ۸۸)
فرهنگستان علوم سوده‌ای اعلام نمود که این دانشمند هنده، به‌درباره جهان‌نامه در اصلاح علت
حقیق و اینکه چگونه با قشرهایی قبیر در جوامع برخوردار می‌باشد، ممکن شایان نمود (رویتر، 23
اکتبر 1998). فرهنگستان علوم می‌افزارد: با تحلیل از اطلاعات موجود در اصلاح رفاه افراد
مختلف، زمانی که تصمیمات دسته جمعی گرفته می‌شود، او یا نه، نظری یک نگاه به رفاه
نمون‌هایی داده‌که چگونه توزیع مختلف رفاه در جامعه می‌تواند مبایره شود، و بررسی جدید و
رضایت‌بخش از شخص فقر را ارائه نموده است (رویتر، 22 اکتبر 1998). در ژاپن، دیگر
می‌نویسد: در مطالعات تجربی، سن یابه کارگری روی دورنکرونی خود درک ما را از سازوکارهای
اقتصادی که بیشتر به قدره‌های تفاوت طراحان داده‌که در سال 1993 در بینگال هندوستان متوسط‌گردید و
بی‌شمار مطالعات خود را در مورد علی حس نیافته‌گونه، فقر و قحطی و مسائل مربوط به اقتصاد رفاه
انجام داده‌که از این نظر با سایر برنده‌گان ژاپنی نوبیل تفاوت‌های عمدی دارد. در سال 1998، دو
اقتصاد‌شناس آمریکایی به اشتراک، ژاپن تا نوبیل را کسب نمودند. این دو (ماریون اسکندر و رابرت
مرتون) به این سبب یاده‌رونی را به‌خود اختصاص دادند که در ملی راتوسه و طراحی نمودنکه
پایه و اساس رشد انرژی پایدار در مسائل مالی و پولی در طول ده‌گذشته بود و ابزاری حیاتی
برای سودآوری یک‌سان‌ها در مسائل تجاری و دیگر نهادها و مؤسساتی به شمار می‌آمد. این دو
آمریکایی سرمایه خود را در صندوق داد و سند تأمینی یک کار انتخابی، مؤسسه‌ای که برای
فناهی‌های مالی سودآوری و شرکت‌نامه تایامین شده است. این دو دانشمند امیدوار بودند که تغییه
خود را در جامعه تجربه خوددارآوری نموده و از این طریق سودآوری ببرند، اما برخلاف
توقعات موفقیت نشان داد و وضعیت مالی آنها تا مرحله ورشکستگی پیش رفت و مشکلات مالی آنها

چنان تشدید گردید که دیگر نهادهای مالی دیگی را برای مورد مورد تهدید جدی قرار داد.
و وقتی که از رابرت ریکسون - استاد جامعه‌شناسی دانشگاه استکهلم - پرسیده شد آیا کار
می‌توانند به نتایج این انسجام‌ها به‌یک‌سان بیش از پیش داد، او پاسخ داد: «من فکر می‌کنم شما این چنین تصویر
نمایید.» وی می‌افزارد، سنعل جهت را مورد بحث قرار داد و تلاش زیادی به‌کار برده تا اکثر
دهد که چگونه می‌توان از قحطی جلوگیری کرد و آن را از بین برد.»(ریپل، ویکی، 26 اکتبر

1. Hedge Fund
منبع: مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۴

1998، صفحه ۸۸. با توجه به اهمیت دیگرگاههای توسعه‌ی انسن در مردوپردازی، از جمله ایران، در زیر، دیدگاههای وی در روش‌بندی مقاله‌ماند "مردمالاری"، پاسخ و نقد دولت، مستقلی قهر، نشتی است و توزیع در آمد، "عنوان آزمایشی" را بررسی می‌نمایم.

１. مردمالاری، پاسخ و نقد دولت

سن در مورد پاسخ در مقابل مردمالاری می‌نویسد: "هر دو اغلب به عنوان یک برنامه تفکیک‌ناپذیر دیده می‌شوند، اما مردمالاری و استفاده از پاسخ ارتباطی یک مثال است. در حقیقت، نگاه به هر دو به عنوان ضروریات اساسی جامعه با یک تناقض اساسی همراه است. اگر مردمالاری وجود داشته باشد، در آن صورت، این به مردم مستقیم دارد که تعیین کند (تا چه اندازه) از پاسخ استفاده کند. اینکه انتخاب نهادها را به مردم واگذار نماییم و در همان حال جلوی آن انتخاب را گیریم و اصرار ورزیم که در عمل تشکیلات پاسخ را انتخاب کند، در یک تناقض آشکار فرو افتاده‌ایم. اگر نمی‌تواند در مقابل مردمالاری مقاومت کرده، در آن صورت، نظام پاسخ نمی‌تواند یک موضوع غیرقابل تغییر باشد (سن، 1992، صفحه ۲).

به علاوه، انتخاب پاسخ به عنوان یک نهاد اساساً یک نهاد اپارای است، در حالتی که ارتباط مردمالاری خیلی پایدار تر و اساسی تر است. استفاده با عدم استفاده از پاسخ باید ممکن باشد تا توجه نشود، در حالتی که نیویون مردمالاری، فی قسم، مثلاً کاربرد است. شاخص و منزلت سازوکار پاسخ، هر چه باشد، نمی‌تواند با مردمالاری همکاری یکی فرد شود (سن، 1990، صفحه ۳). پاسخ اغلب به عنوان یک نظام را گیری دیده می‌شود. این از یک جنبه درست است، اما با توزیع نااکافی از حق رأی (فرانشزی) همراه است که جنبه غیرمکاری که پاسخ را نشان می‌دهد (سن، 1990، صفحه ۴).

و در مورد حقوق افراد جامعه می‌نویسد: "هر نظام اقتصادی و اجتماعی، مجموعه‌ای از روابط حقوقی می‌باشد. این افراد جامعه دارای حقوقی می‌باشد، که منجر به چیزی می‌شود که آنها از آن
برخوردارند. (سن، 1980 الف، صفحه 63) به نظر سن، فرایند توسعه اقتصادی را می‌توان به عنوان یک فرایندگسترش توانایی مردم دید. با توجه به رابطه ثابت بین حقوق افراد در دستیابی کالاها و توانایی آنها یک ویژگی مفید رشد و اساس توسعه اقتصادی، فرایندگسترش حقوق افراد است. برای اغلب افراد، قبلاً نبوده که کالاها و توانایی آنها در بافتن شغل و دستمزد برای آن شغل و قیمت کالاها و به خرید آنها هستند، بستگی دارد. مشکلات فقر و وگرستگی و قطعی در دنیا را از طریق مفهوم "حقوق" بهتر می‌توان تحلیل نمود تا از ارزیابی استفاده از متغیرهای سنتی عرضه مواد غذایی با اندازه جمعیت. البته در اینجا هدف این نیست که به‌ویژه در مورد مواد غذایی برای رفع فقر وگرستگی نامنه‌الصاف است -که ویژه بر محاسبه - بله، مسئله این است که عرضه آن یک عامل در میان عوامل سیاسی است و اهمیت آن به این لحاظ است که در اینجا بر حقوق افراد مشمول آن از طریق قیمت‌های تأثیر می‌گذارد. در نهایت، با این مسئله مربوط می‌شود که مردم چه کاری می‌توانند یا نمی‌توانند انجام دهند و این مسئله به "حقوق" آنها مربوط می‌شود و به عرضه کل تولیدات در جامعه (سن، 1992، صفحه 15).

سن همچنین معتقد است: یکی از صورت‌های اقتصادنشناسی سنتی تنها به آنها به‌عنوان روی عرضه کالاها و مالکیت و حقوق بوده است که در تأکید آنها به رشد اقتصادی اتکاک می‌باشد. تأکید به‌یکی از نسبت عرضه مواد غذایی به جمعیت مثالی دیگری از این نگاه دارد است. امروزه، با حذفی توجه اقتصادنشناسی از رشدکل درآمد به توزیع درآمد انتقال یافته است که به نظر می‌رسد حکمران در مسیر درستی باشد و در حقیقت، چنین است. اما از می‌گویم که درآمد به خودی خود شاخصی ناکافی برای تحلیل حقوق افراد است. افزایش درآمد، توان فرد برای خرید کالاها یا به‌ویژه مورد، حتی آگاه‌گیری که مدرسه در دنیای محیطی یا غیر محیطی به بشر، مسئله دنده‌ی یکی نباشد، باز هم می‌شود. لذا، فقط در آموزش‌های مربوط به مسئله و هدایت‌های کالاهای موجود در بازار باید بر. اما این افزایش در درآمد نسبت به حقوق افراد برای آموزش‌های مربوط به‌ویژه مسئله، زیرا افزایش درآمد در چنین حالتی هیچ گونه تضمینی را در موارد فوق ارائه نمی‌نماید. (سن، 1992، صفحه 16)
در خصوص مردم‌سالاری، سنی می‌نویسد: "حمایت از مردم‌سالاری اساساً به این علت است که مردم‌سالاری ذاتاً ضرورتی مخالف نابرابری ثروت (وتقییم طبقات به دارا و ندارا) است، اما به نفع نابرابری امیتیسات سیاسی نیست." (سن، 1991، صفحه 4). به نظر وی، وجود نبوده‌ها، حزب‌ها و جمعیت‌های مختلف در هر جامعه، به نفع اقسام مهرمان تام می‌شود، حتی در جوامع خودکام و دیکتراتوری، وجود نبوده‌ها، حزب‌ها و جمعیت‌های مختلف قدرت در هر جامعه است (سن، 1996، صفحه 5). وی می‌نویسد که در هنگام تصور بعضی از صاحب‌نظران، نباید یک سؤال مسئله تجمیع نیست که فقط کشورهای ثروتمند بتوانند از همه به امتیاز آن برآیند (سن، 1997، صفحه 76). بنابراین، هر چه نابرابری بیشتر باشد، فقر بیشتر است (سن، 1973، صفحه 1457).

2. فقر، اشغال و توزیع درآمد

سن فقر را جدید به دیدی می‌بیند و تغییر مسئله فقر تنها از جنبه درآمدی در ارزیابی و شناسایی قスーパان و رابطه‌گر می‌کند. بدان (سن، 1992، صفحه 46). وی معتقد است که مجموعه‌ای از تغییرات در قیمت‌های تولیدکننده و مصرف کننده و مقدار کالا می‌تواند به سطح زندگی هر خانواری در جامعه تأثیر بگذارد، بنابراین، رابطه‌نگری مصرف‌های مختلف فقر در هرگونه از جهان‌های باید با دقت پیش‌ریزی، مورد تحقیق قرار گیرد (سن، 1979، صفحه 1981). وی فقر را نام جوابی‌ترین کشور فقری در آن افراد عواملی از قبیل فن آوری و بهره‌وری، شیوه مالکیت از بزرگ تولید، استثمار و مناسبات اجتماعی تولید و توزیع می‌داند (سن، 1975، صفحه 1971). در نتیجه، مسئلة فقر را یک مسئلة حقوقی می‌داند که با باید در هر مخلوق‌نامه‌ای از توزیع رفع گردد. در حالی که رشد اقتصادی می‌تواند به‌ازای تأثیر بگذارد، اما در اصل این مناسبات اجتماعی و نهادی است که در تفسیر فقر می‌نکند. تغییرات اقتصادی و اجتماعی افراد آن جامعه تغییر می‌نماید (سن، 1980، ألف، صفحه 67). در اقتصاد تمکیک بر بازار، متغیرهای تعیین کننده حقوقی می‌تواند به دوگروه تقسیم گردد: ألف) بردار مالکیت (مانند زمین، سرمایه و نیروی کار) که هر فرد در اختیار دارد; ب) حقوق مبادلات کالا و خدمات از طریق تولید یا تجارت. بردار مالکیت یک گروه می‌تواند از طریق افراشی تحلیل.
سرماهه‌ی یا از طریق بار توزیع درآمد، مانند اصلاحات ارضی، تغییر یافته بر اساس حقوق مبادلات لیویه تر است و لیکن اهمیت آن کمتر نیست و شامل عوامل متعددی مانند تضمن شرایط عادلانه تجاری (نرخ مبادله) برای قشرهای محروم روند اصلاحات با تضمن اشتغال در سطوح موجود دستمزد یا اثرات سیاسی‌های حمایت اجتماعی و جزئیاتی می‌باشد (سن، ۱۹۸۲). صفحه ۶۹.

سن، فقر را نه در کمی درآمد و ناتوانی در تأمین حداکثر معایش، بلکه همچنین در آسیب پذیری اجتماعی موقتی فرد در جامعه می‌داند (سن، ۱۹۸۰ ب، صفحه ۷۸). سنا بر اساس نتایجی خاص قرار ندارد که در داده‌های نامناسب را بیاید تا کمک‌یابی این شاخص توسط دیگران فراهم نمود. سن، اطلاعات مربوط به قیافه‌ریاب اگر آور و برای آن شاخص کلی فقر را تعیین نمود. اگر داده وزن به شکلی قرار و احتمالاً کم درآمد از طریق رتبه بندی آنها در توسعه فقر، مفهوم محرومیت نسبی را ناداره گیری نمود و سپس محرومیت نسبی را به شاخص معرفی نماید. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که فقر نه تنها به نابرابری بلکه به یکی از شاخص‌های شناسایی می‌شود (سن، ۱۹۸۱). صفحه ۲۳۱-۲۳۲.

سن با کمک ریاضیات تشخیص نموده که هر تلاشی در جهت ادانزه گیری نابرابری اقتصادی به نحو انجام‌نیاپذیری قضاوت ارزشی را در بر دارد (به‌پرداز ویک، ۱۹۳۳، صفحه ۵۶). سن معنادست که فقر تنها به نابرابری بلکه به یکی از شاخص‌های شناسایی می‌شود (سن، ۱۹۸۳، صفحه ۱۵۷). به نظر می‌رسد، علت اجتماعی مه‌انداز اهمیت است: الگوی نسبت می‌باشد.

۱. شاخص سن به صورت زیر ارائه شده است (سن، ۱۹۸۵، صفحه ۲۱۹-۲۳۲).

\[ p\hat{\mu} = \frac{K - \mu p}{1 - \mu p} \]

که در آن، \( K \) درآمد خط فقر، \( \mu \) میانگین درآمده اشاره به قدرت و \( \hat{\mu} \) میانگین درآمده اشاره به قدرت‌های مختلف شاخص، \( p \) احتمال اصلی، \( \hat{\mu} \) احتمالی به شاخص‌های مشابه خودپرتر است، 

۲. Head-Count Ratio

۳. Poverty-Gap Ratio

۴. Gini-Coefficient
به دسته‌ی آورنده و قدرت خرد و تفکری مؤثر آنها بپژند. به‌طوری‌که از جنبه‌های افزایش تولید که هم در تنگی به کارگیری افراد مشغول به کار و هم از جنبه‌ی درآمدی آنها ناشی می‌شود. ج) از جنبه
نگاه به منزلت و شخصیت انسان که باید مورد توجه جدی قرار گیرد. آن‌ها از افراد قدر به پایین کار
نشوند. افرادی که به اشتغال و ممکن است در جامعه مشکلات اجتماعی ایجاد نمایند و آن‌ها افراد شاغل
شغل مناسبی شان و منزلت خود نیابند، احساس ناخوشی می‌نمایند و خود را شاغل نمی‌دانند.
سن معتقد است در نگاه به مستقله اشتغال نیمی توان این سه جنبه را از هم جدا کرد (سن، 1975، صفحات 8-9). به نظر سی، سایستگی ناپایین تنهای به توان تولید یا درآمدها و هزینه در فرد شاغل
بینید، بلهک اشغال را باید از جنبه‌ها انسانی و اجتماعی مورد توجه قرار دهد. اینکه راه شاغل
برای جبران خدمات خود اجتناب دریافت می‌نماید، نیمی توانده زیبی تلقی شود، بلکه در خودش
نوعی مزیت و نفع است. اغلب به اثرهای درآمدها و تولیدی ایجاد اشغال توجه می‌شود، اما جنبه
بیمار ممکن شناخت شان و منزلت افراد باید بیشتر در مورد توجه قرار گیرد (سن، 1975، صفحه 9).
سن در مورد تیکاران پنهان می‌نویسد: اصول اخلاقی و نهایی انسان هرگز صفر نیست و تفکیک
افراد به اصطلاح تیکاران پنهان از افراد شاغل کار بسیار مشکل است. به نظر سی، وجود بیکار
هنگامی متعاقب است که این افراد به صورت درست و مناسب به کارگرده‌ها می‌شود. اگر به انتظار
زمان لازم کار ثبت کند، تولید افزایش می‌یابد و موجب بالارفتن درآمد و تفاوت مؤثر می‌گردد. وی
می‌نویسد که اگر به‌ویژه افراد صغری با نفی باشد، اصولاً در ایندا کارفرما آنها را به کار
می‌گیرد. بنابراین، وی معتقد است که انسان‌ها همیشه‌هوری مثبت در آنها که به نحو
مناسب به کارگرده‌ها می‌شود. می‌توانند کمک مؤثری به افزایش تولید بنمایند (سن، 1957؛ 1965، 1954).

برای رفع بیکاری، سن به‌دست می‌پیشنهاد چان میدانگی، بینی بر یک‌گیری، هم‌زنمان افراد برای
کنندن بهچاله‌های درآمدها و برخی از یک‌گیری این اساس که به‌ویژه داده شود
تلقی می‌شود. افرادی که به‌ویژه برخی از یک‌گیری این اساس که به‌ویژه داده شود
که به‌ویژه برخی از یک‌گیری این اساس که به‌ویژه داده شود تلقی می‌شود.
عند قبول چه که برای نویل منجر شد

تولیدی و شناسایی شأن و منزلت انسانی در نظر گرفته به علاوه، اقدام مناسب برای توزیع درآمد

می‌باشد و برخورد دیگری به آن کافی نیست.

وی درخصوص پاراده می‌نوید: داشتن یک نظام پارادگم‌بردار و اداره آن به صورت کارآمد
درکشورهای در حال توسعه بسیار مشکل است و ممکن است فضای اداری به همراه داشته باشد.
اما با مربوط نمودن درآمد به اشتغال، یاف مشکل تا حد زیادی از بین می‌روید. حتی اگر نظام پاراده
مشکل کم‌ساخته‌سازی یاناپاسی اداری نداشته باشد، در این صورت، سمت‌های دیگر در مورد شناسایی
افراد واقعً مستقیم است که مشکل بسیار جدی است. بر اساس کار و نه پاراده خالص، دولت کمتر
مورد انتخاب انجام تبعیض دلخواه قرار می‌گیرد، و در حقیقت، نظام اداری می‌تواند تبعیض را به
نفع افرادی انجام دهد که احتیاج به حمایت دارند و مایلند کار کنند. این نوع ملاحظات اداری و
سیاسی می‌تواند منتفی برای حمایت از طرح‌های اشتغال‌زا در جهت توزیع درآمد باشد (سن،
1973، صفحات 3-4). در

مورد حقوق نژاد در جامعه، سی می‌نوید: موضعی اجتماعی زنان در جامعه توسط حقوق
اجتماعی تعیین می‌شود که هر جامعه برای افراد خود قابل می‌شود و مسئولیت می‌پذیرد. اختلاف
زن و مرد، مناسب‌سازی تضادهای دیگر، نظیر تضاد طبقاتی نیست. کارگر و سرمایه‌دار نواع‌زیر یک
سقف زمینی نمی‌کندند و ملاحظات و تجارب مشترک ندارند. اما جنبه "هممایه" به تضاد جنسی
یک‌پاره و یک‌پاره خاص می‌پیش‌آید. در اینجا هر یک از آنها از همکاری که نفع برند و به صورت عمدی و
آگاهانه همکاری می‌کنند. اگرچه سمت‌های تفکیک جنسی زن و مرد مشترک به صورت همکاری در
تضاد است، منافع زنان با مردان اگرچه ممکن است مقاوت باشد، اما سودی که می‌پذیرفته
در همکاری آنها تهیه می‌کند. به سخن دیگر، همکاری آنها منافعی را تضمین می‌کند که به صورت
فرودی سطح‌پیکر نیست. اعضای یک خانواده با دو مشکل هم‌مانند روبه‌رو هستند: یکی شامل
همکاری است (به منظور افزایش موجودی) و دیگری تضاد (تفسیر کل موجودی در دیگر اعضای
خانواده) که در اینجا اختلاف، نوعی احتراف از رفتار عادی تلقی می‌شود (سن، 1985، صفحات
194 و 195)

1. Cooperative Conflict
3. فن آوری و کارایی

انتخاب فن آوری، یکی از ابزارهای کلیدی هر راهبرد توسعه می باشد. اما تمام جوهرهای فن آوری مناسب هنوز زمینه دست نخوردهای برای اقتصاد شناسان و مهندسان است. برای احیای چگونه کار با سایر می‌توان دستگاه امکان‌پذیر است. سیم نویسید یک فن یا یک کامپیوتر ممکن است به وسیله یک فرد اختراع شود، اما شرایط و نهادهای اجتماعی هستند که آن را حفظ کنند و باعث مبودی سرمایه‌گذاری و مطلوب ۳۶ می شود (سن، ۱۹۷۵، صفحه ۱۱). سیم تایید و اهمیت زیادی به عوامل نهادی و ملاحظات اقتصادی و سیاسی در انتخاب فن آوری مناسب می ده و معنی است که اگر شفوق دیگری از آوری مناسب وجود داشته باشد که مسلم می‌تواند به کار گرفته شود، ممکن است به سیستم‌های نهادی و سیستم‌های مناسب تصمیم‌گیری در جهت تغییر ترکیب کالا و عوامل به نفع کاربری پیشرفت در جهت ایجاد اشتغال به کارگر فته شوند.

سن می‌گوید که فن آوری چهار فاز از فرایند مکانیکی تبدیل آهن خام به فولاد است و ابعاد و سبک‌تری دارد که با یاد منظور قرار گرفته. برای مثال، اگر ساخت اقتصادی اجتماعی یک کشور اجازه کار به نوبتی را در پی کارخانه می دهد، اما در کارشناسی خانوادگی چنین کاری امکان‌پذیر نیست. با اینکه در تولید خانواده امکان استفاده از نیروی کار محیطی وجود دارد، در حالی که به کارگری این افزایش در کارخانه‌ها شهیر و صنعتی مدرس نیست بر تقلیل دو نوع مختلف فن آوری دلالت می نماید که با یادنسبت به نوع کارگر برخورد متفاوت صورت گیرد. به بیان دیگر، این امر با یکدیگر مسئله‌ای آوری را در جامعه شبان من می دهد (سن، ۱۹۷۵، صفحه ۱۱).

سن درخصوص به کارگری "فن آوری مناسب" یا "فن آوری متوسط" می نویسد: یا به این مورد، از دو نظر اعتیاد نمود. اولاً نهکه این پرجه معلوم آن فن آوری را یک پدیده داده شده یا ثابت "در نظر می‌گیرد و پرها به‌ریزی توسعه اقتصادی را به‌صورت اخیر و یا کارهازی از فهرست فن آپهای موجود می‌گیرد. در گذشته این نکته این پرجه‌ها و راه‌های منابع این انتخاب‌های هدف می‌باشد که در آن سیستم‌های کارگری نف آوری متوسط یافتن آوری مناسب به ظهور می‌رسد، حتی آگر این مسئله‌ها از فرآیند واقعی تولید و عمل فاصله باشد (سن،
نگاهی به جایه‌نامه نویل منجر شد

1975، صفحه 12. در خصوص کارآیی، سن می‌تواند که در میان مربوط به تخصص منابع گفته می‌شود که اگر یک بیمار فن بتوان چیزی را به دست آورد که بابت آن هیچ گونه دلخواه پرداخت نشود، آن‌ها کارآمد تلقی می‌گردد.

برای مثال، فرض کنید که یک کشور مجموعات از کالای X را با مقدار معینی از داده‌ها V با فن A تولید کند. حال اگر به گردید که با استفاده از فن B، یک کشور می‌تواند با تولید بیشتری تولید را با همان مقدار داده‌ها به دست آورد، این معنا را دهد که آن کشور با انتقال از فن آوری به فن آوری B چیزی را به دست آورد که بابت آن هیچ گونه مستقبل نشده است. حال اگر زمانی که آن کشور فن A را انتخاب نمود، فن B تنیز در دسترس بود، در آن صورت گفته می‌شود آن کشور با یک کشوری فن A منابع را به صورت غیر تخصص داده است و ناکارآمد است یا اگر فن گرفته و کارآمد است و یا اگر به صورت مطلوب انتخاب نموده است.

سن تصور فوق را به دلیل زیر گزاره‌کننده می‌داند. اول اینکه فن آوری امری بسیار بسیار است و ایستا نیست و در مورد تری B یا C در زمان انتخاب A به طور قیمتی نمی‌توان تا آبی نمود نمود و علاوه بر آن، وجود آوری B یا C برای کشورها، خاصیت کشورهای توسعه نیافته، شناخت ندیده و معلوم نیست و چون معلوم نیست قطعاً از نظر عملی نمی‌تواند کارآمد تلقی شود. دوم اینکه به صدای زبانی فن آوری به شدت توجه به موضوع قیمت‌های واقعی مطرح می‌شود که غیر معقول است و تا زمانی که قیمت‌ها معروف قیمت‌های واقعی و حقیقی در جامعه نباشند، تعیین برتری فن آوری کار بسیار دشواری خواهد بود.

سن در این مورد، برای تعیین فن آوری مناسب قیمت‌های سایه را برای عوامل متعدد معنی‌مند. اینکه کارآیی از جمله منطقه‌ای تشریح نمی‌شود. اگر فن A در مقایسه با فن B بیشتری تولید نماید، اما این در منطقه X چنین است و هن از منطقه ۷ یعنی جایی که است، آیا می‌توان گفت که این فن کارآمد است؟ سن جواب می‌دهد تشریح آن اصولاً به طور دقیق
قرار ممکن است، برای توزیع مطلوب منطقه‌ای ممکن است شامل تغییرات زیادی از X به 7 در مورد A صورت گیرد. که آن راستی‌اپرهزیته و گران نمایید. یک روش برخودر با این بپیده، حساب کردن هزینه کامل و نقل درک هزینه به مقادیر نهایی است. اما این کار هم مهلتی برای فرضیات معنی است که در خصوص هر منطقه‌ای ممکن است متایتو باشد و کارایی بهره‌مندی منطقه‌ای خود‌خود برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. علاوه برآن، مقایسه از نظر هزینه تنها توان مطلوبی باشد و تا زیرا یک فن آوری ممکن است برای تولید یک واحد کالا از منابع طبیعی پیشین استفاده نماید که در محاسبات اقتصادی معتبر نمی‌گردد. بدین روش، برخودر با کارایی از این نظر مطلوب نیست.

افزون بر اینها، محاسبه تفاوت بین "داده‌ها" و "مشاهده‌ها" از جوانب مختلف بارای تعیین کارایی مناسب نیست. برای مثال، زیان‌های صنعتی خود تولید محصولات می‌شوند، اما کمک در تفاوت هزینه و مطلوب نیستند، در حالی که استفاده‌های پنهان ممکن است "داده" باشد. و استفاده از آنها به ناشناسته. علاوه برآن بعضی از تولیدات از نظر خصوصی مطلوب است، اما از نظر اجتماعی نیست. همچنین استفاده از بعضی از عوامل، مانند اشتغال یک کارگر ممکن است یک هزینه خصوصی باید و از نظر اجتماعی یک نفع ثلثی می‌شود. همچنین تولید یک کالا ممکن است نتیجه معنی‌ای از عرضه مطلوب باشد (مانند پاداش بعضی از محصولات جنبی صنعتی) و بیشتر از آن مطلوب نباشد (سن، 1875 صفحه 12).

طام موارد باید شده، مفهوم کارایی را با مشکل مواجه می‌سازد. بدين جهت، سن، اين کارایی را به عنوان میزان ضعیفی از عملکرد اقتصادی کشور تلقی می‌کند، برای مسائل توزیع درآمد خارج از بحث فوق قرار می‌گیرد و تضاد منافع افراد، گروه‌ها و طبقات در نظر گرفته نمی‌شود. بدین روش، سن معنی‌دار است که چنین برخودر با کارایی نمی‌تواند میزان مناسبی برای سیاست‌گذاری باشد. به‌داء، از نظر سن، کارایی اقتصادی فراتر از چند است که در اینجا به می‌گردد. من در خصوص دخالت دولت و راهبرد تجارتی، با اشاره به کشورهای جنوب شرق آسیا، می‌نویسم (سن، 1983 صفحات 33-35). "چند چنین تجربه بشر بالایی این کشورها را کامل توجه می‌نماید، درحقیقت، کيفيت آن رشد است؛ يعني به نظر می‌رسد که این رشد بدون شدت گرفتن ناپاره‌بری درآمد (چند که متأسفانه اغلب اتفاق می‌افتد) صورت گرفته است و شواهدی در مورد رفع فقر سریع از
هر نظر در این کشورها وجود دارد. وی با تأکید به ضرورت جهتگری صادرات در کشورهای گوچکر مثل سنگاپور و هندگ کنگ، به علت کوچک بودن بازار داخلی آنها که جهتگری صادراتی را الزامی می‌نمود و به سیاست تجاری صادراتی این کشورها در صادرات کالاهای کارگیر اشاره می‌کند که منجر به بالابردن سطح زندگی قشرهای فقیر این کشورها شده است. اما معتقد است: آن درس اصلی نیست که ما باید از آن برداشته ویژه‌ای نمودن. بنابراین می‌دهد: در حالی که جهتگری صادراتی به معیاس و مبادله دنیای گردیده، دولت در کشور مثلاً کره، یک برنامه قوی جایگزینی واردات را در جایهای معینی انجام داد و به نقل از داده‌های مذکور، در سال ۱۹۶۵، اقلاعی مانند کودشیمایی، الیاف مصنوعی، نخ و کتان، مصوبات نفتی، نفت، سپر، محصولات آهن و فولاد و مواد لاستیکی بیش از اقلام اصلی واردات کره بودند. در سال ۱۹۶۱، سیاست جایگزینی واردات تمام این اقلام را به استثنای الیاف مصنوعی و مواد لاستیکی، از فهرست اصلی واردات جدید نمود. در سال ۱۹۶۹، از ۱۲۱۳ قلم کالاهای اساسی واردات ۷۳ تای آنها ممنوع و ۱۴۴ قلم آنها محدود شد. حتی در سال ۱۹۷۵، واردات ۷۶ قلم ممنوع و واردات ۵۱۵ قلم دیگر در فهرست محدودیت واردات قرار گرفت. اگرچه این ارقام برای اندازه‌گیری جایگزینی واردات خام است، اما آنها از آنچه از آنها است که سیاست اخوانش بوده از سیاست آزادی تجاری فاصله زیادی داشته است. دولت کره، علاوه بر اینکه مراکز بالغ بر بازار در اینستاد را در اختیار خود داشته است، دولت‌کره در بازار پولی در تعیین نرخ بهر، سرمایه‌گذاری و موارد دیگری از این قبیل، دخالت می‌نموده است. (سن، ۱۹۸۰، صفحه ۴۳) در تایوان و کره، سیاست‌فردا ای از طریق ایجاد اشتغال با دستمزد معقول بوده است و در کشورهای این منطقه مورد از طریق بازار تضمن نشده، بلکه خارج از آن به شکل دخالت مستقیم دولت بوده است. (سن، ۱۹۸۰، صفحه ۳۵).

در خصوص برنامه‌های تأمین اجتماعی می‌نویسیم: “تا بهره وری محدودیت تخصص‌منع بر مبنای بازار برای خدمات بهداشتی، آموزشی و امکانات اجتماعی، بودن شک اقتصادی متنگی بر بازار حتی وقتی که به ترمین هم باشد، اغلب موفقیت کمری در عملکرد شاخصه‌ای کیفیت زندگی
نسبت به اقتصادهای قبیل دارنکه از طریق استفاده بهتر در نظام توزیع دولتی تأثیر بیشتری بر خدمات بهداشتی، آموزشی و امینت اجتماعی داشته‌اند.

سن در مورد قحطی و گرسنگی می‌تواند: قحطی و گرسنگی در کشورهایی از قبیل ایتالی و بنگلادش، هنگام اقتصاد آفریقا، به سبب کمبود مواد غذایی نیافته، بلکه به علت توزیع نابرابر منابع بود. بنابراین، راه حل اساسی اصلاح سیاست‌ها و رفع نارسایی‌های واقعی برای یافتن واحدهای اقتصادی است که منجر به چنین توزیع نابرابر مواد غذایی و قحطی در این کشورها گردد. (سن، 1986)

صفحات 66-67. سن نشان داده که برای مثال، بخشی از علل قحطی سال 1974 بنگلادش، ناشی از این مسئله بود که سیل در آن سال قسمت مواد غذایی را بالا برده و در حالی که فرصتهای شغلی برای کارگران مزارع شبدیا کاهش یافته، به طوری که حتی یکی از محصولات نمی‌توانست در این سایر کارگران کشاورزی به شدت کاهش یافته و این گروه به صورت هشتمانکی آمیز بودند. (سن، 1986)

درآمد است و به شکل مواد غذایی پرداخت می‌شود که نوعاً موجب افزایش مصرف مواد غذایی در مقایسه با زمانی می‌شود که نمی‌تواند در طول مدت پرداخت گردد و به‌طور تغذیه موجب بهبود بهره‌وری می‌گردد. (سن، 1986، صفحه 65).

به‌نظر سین در سراسر که از تجربه کشورهای توسه‌یافته و جنوب شرق آسیای بازی آمومه، این دست که روابط تابعی ایزماریه مختلف مواد مطالعه قرار گیرد. و از پروری کورکارتون آنها و ابزار به کارگرفته شده توسط آنها اجتناب شود. تفاوت در شرایط اقتصادی کشورها استفاده از تجربه کشورهای دیگر را برای سیاست‌گذاری غیر ممکن نمی‌نماید، اما تقلید کورکارتون آنها لنز نیز ممکن است نتایج نامطلوبی به‌همراه داشته باشد.

سن آدامی می‌دهد: «من معنید هست‌که محدودیت واقعی اقتصاد و توسه‌ی سنی انتخاب ابزار برای رشد اقتصادی نیست، بلکه در درک شناخت ناکافی این مطلب است که رشد اقتصادی چیزی
بی‌بی‌هایی که به جای‌های نویل مانند شد

در ابزار برای دستیابی به هدف‌های دیگر نیست. مسئله این نیست که گوییم رشد مهم نیست، ممکن است خیلی هم مهم باشد، اما اگر هم مهم باشد، اهمیت آن در مراحل مختلف است که هر اصلاح در فرآیند نشان اقتصادی به دست می‌آید. (سال 1945، صفحه 15). وی می‌آید رشد، مشکلات اصلاح در هدف‌های مبتنی یک ابزار

نتیجه آن نیست که رشد ابزار است و هدف نیست، بلکه حتی برای هدف‌های مبتنی یک ابزار

بهر نظر سن برنامه‌بری و طراحی ضعیف پروزه‌ها، مشکلات اصلاح از تجربه و ما هی متصل اصلاح و تداوی می‌باشد انتخاب پروزه، اغلب منجر به آن می‌شود که طرح‌های اشتغال‌زا دولت در هدف خود می‌نیا برمک "کارکنان فیبر" که در زیر خط فقر هستند ناتوان باشد و بعدها دلیل نادرست و تا از دیدن مسائل و مشکلات کشورهای تومهای نیافته، سیاست‌های اصلاح شده، به چای کمک به توقیف‌های محدود، دریافت مرور، ثروت‌مندان سودبیشتری رساند

برای ارزش‌های پروزه‌ها از نظر فنآوری و اشغال مشکل این است که قیمت عوامل و محصولات به عنوان چاراکتر ازبین‌گیری، اغلب علایم غفلت می‌دهند که مناسب با کمیابی و تأثیر آنها نیست. سن برای راه‌های از این مشکل، می‌توان یا بتوان یا به جهت تخمینی قیمت‌های صیادی "برای ارزش‌های مفید پروزه از نظر اجتماعی اثرات می‌نماید (سن، 1975، صفحات 98). وی بر این نتیجه‌گیری می‌نماید که ارزش‌های پروزه‌ها در جاری‌بندی هزینه - منفعت اجتماعی نباید صرفاً به عنوان یک کیفیت مکانیکی در نظر گرفته شود. با یک توجه کردن به ارزش‌های اجتماعی، اصلاح و ارزش‌های پروزه به نحو چشم‌گیری به عوامل نهادی، از قبیل شیوه اصلاح (بررسی کار خانوادگی یا کار دستمزدی) و ماکتیک و کنترل پروزه (ماکتیک دولتی با خصوصی) می‌باشد. این ملاحظات، ابزار در دستور کار سازمان جهانی کار در زمینه

جدامه‌سازی قرارگرفته است (سن، 1975، صفحات 97-100).


